

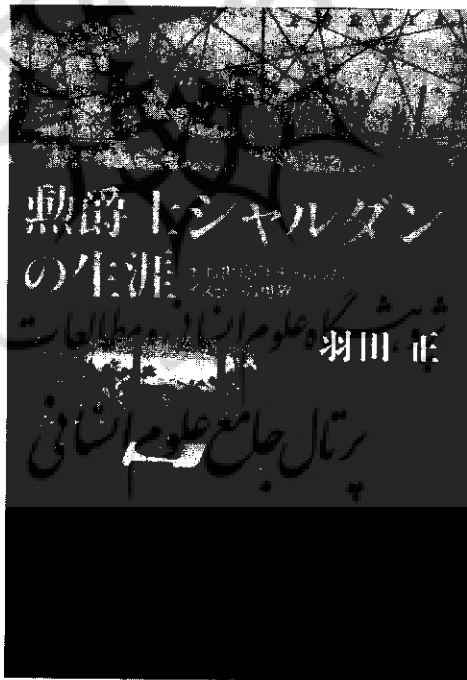
زندگانی ژان شاردن

جهان اسلام و ادویا در سده هفدهم میلادی

تألیف: پروفسور ماساشی هانهدا

(متخصص تاریخ ایران در عصر صفوی و استاد

دانشگاه توکیو)



اشاره:

○ دکتر منصور صفت گل

○ تاتهر و ساساجیما

مطالعات صفویه‌شناسی از دیرباز در ژاپن رونق داشته است و در این زمینه خاندان هانهدا سهمی به‌سزا داشته‌اند. هم‌اینک دو نماینده برجسته این خاندان یعنی پروفسور ماساشی هانهدا و استاد کونیچی هانهدا با فعالیت منظم تحقیقاتی بر رونق مطالعات صفویه‌شناسی در ژاپن تأکید دارند. پروفسور ماساشی هانهدا که در سال ۱۹۵۳ م. به دنیا آمده است، در خانواده‌ای پرورش یافته که به تاریخ و فرهنگ ایران علاقه‌مند هستند. او که متخصص تاریخ نظامی ایران در دوران صفوی است، رساله دکتری خویش را در همین‌باره در دانشگاه سوربن پاریس تألیف کرده و هم‌اینک استاد دانشگاه توکیو و پژوهشگر برجسته عضو مؤسسه مطالعات فرهنگ‌های شرقی وابسته به همین دانشگاه است. پروفسور ماساشی هانهدا اخیراً توجهی ویژه به زندگانی و آثار ژان شاردن، جهانگرد و جواهرفروش معروف فرانسوی کرده است. چندی پیش پروفسور هانهدا بخشی از سفرنامه شاردن درباره اصفهان را با عنوان پیکر یک شهر در جهان اسلام در قرن ۱۷ م که بخش اصفهان سفرنامه شاردن به شمار می‌رود به زبان ژاپنی ترجمه و تألیف کرد. اهمیت این کتاب صرف‌نظر از ترجمه آن به ژاپنی، در تعلیقاتی است که پروفسور هانهدا در آن نگاشته است. پروفسور هانهدا برای بررسی توصیف شاردن از شهر اصفهان، خود در سال ۱۹۹۵ به اصفهان مسافرت کرد و کوشش نمود تا حد امکان همه آن مناطقی را که شاردن ذکر کرده است، از نزدیک ببیند و بخشی از نتیجه این گشت و گذار او در اصفهان، عکس‌هایی است که در تعلیقات کتاب به چاپ رسانده است. درباره این کتاب آقای کازونو موری موتو که مدتی را به عنوان دانشجوی مقطع دکتری تاریخ در دانشگاه تهران تحصیل نمود و اینک برای اتمام رساله دکتری خویش به توکیو بازگشته است و در عین حال عضو مؤسسه پژوهشگاه فرهنگ شرق در دانشگاه توکیو نیز هست به درخواست نگارنده گزارشی به زبان فارسی تألیف کرد که در شماره ششم و هفتم از دوره سال اول کتاب ماه تاریخ و جغرافیا در اردیبهشت سال ۱۳۷۷ منتشر شده است.

تازه‌ترین اثر پروفسور هانهدا درباره ژان شاردن کتابی است که اینک معرفی آن ارائه می‌شود. این کتاب نیز به زبان ژاپنی در توکیو منتشر شده است و مخصوصاً از این جهت اهمیت دارد که در آن برای نخستین بار از مدارکی که تاکنون پژوهشگران ایران عصر صفوی از آنها آگاهی نداشته‌اند، استفاده شده است. این مدارک نامه‌های ژان شاردن به برادرش دانیل شاردن هستند که پس از مهاجرت شاردن به انگلستان، از لندن به مدرسی در هندوستان فرستاده شده‌اند. تاکنون هیچکس درباره این نامه‌ها آگاهی نداشت و پروفسور هانهدا برای نخستین بار آنها را به پژوهشگران عصر صفوی معرفی کرده است. نگارنده از آقای تاتهر و ساساجیما، دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه توهوکو در ژاپن که اینک برای یک دوره پژوهشی به منظور استفاده از منابع تاریخ ایران در دوران قاجار و بهره‌مند شدن از راهنمایی‌های استادان گروه تاریخ دانشگاه تهران، به ایران مسافرت کرده، بسیار سپاسگزار است که پیشنهاد او را برای نگارش خلاصه‌ای از محتوای کتاب پروفسور هانهدا پذیرفت. این خلاصه به زبان انگلیسی تهیه شد و اینک برگردان فارسی آن همراه با کاهش‌ها و افزایش‌هایی منتشر می‌شود.

چندی پیش پروفیسور هاندها بخشی از سفرنامه شاردن درباره اصفهان را با عنوان «بیکر یک شهر در جهان اسلام در قرن ۱۷ م» که بخش اصفهان سفرنامه شاردن به شمار می‌رود به زبان ژاپنی ترجمه و تالیف کرد. اهمیت این کتاب صرف‌نظر از ترجمه آن به ژاپنی، در تعلیقاتی است که پروفیسور هاندها در آن نگاشته است

زندگانی ژان شاردن

جهان اسلامی و اروپایی در سده هفدهم میلادی

تألیف: ماساشی هاندها (متخصص تاریخ ایران عصر صفوی و استاد دانشگاه توکیو)

«جهان اسلام در سده هفدهم میلادی قابل تحمل‌تر از جوامع اروپایی بود» بنابراین ماساشی هاندها پژوهش خویش را با توجه به گزارش‌های ژان شاردن درباره اوضاع مذهبی این دو قلمرو نوشته است. ژان شاردن چنان اهمیت داشت که منتسکیو و روسو نوشته‌ها و گزارش‌های او را ستوده‌اند.

پروفیسور هاندها در مقدمه کتاب به شرح حال و اهمیت شاردن اشاره می‌کند. وی می‌گوید که کتاب او درباره شخصیتی نوشته شده که متجاوز از سیصد سال پیش در فرانسه به دنیا آمد. شاردن برای تجارت به ایران و هندوستان مسافرت کرد و پس از بازگشت از شرق، گزارش مسافرت خویش درباره ایران را در چند مجلد منتشر کرد. این گزارش‌ها که با عنوان مسافرت به ایران چاپ شد، آگاهی‌های فراوانی درباره ایران ارائه می‌داد و در همان زمان مورد توجه بسیاری از فرهیختگان اروپایی قرار گرفت. در روزگار شاردن شمار فراوانی از اروپائیان علاقمند کسب آگاهی‌هایی درباره جهان غیراروپایی بودند. اروپائیان مایل بودند اطلاعات موثقی درباره خاورزمین به دست آورند اما منابع موثقی درباره ایران در اختیار نداشتند. بنابراین سفرنامه شاردن این نقیصه را برطرف می‌کرد و فرهیختگان اروپایی این اثر را به خوبی می‌شناختند تا جایی که منتسکیو در کتاب خویش از آن بهره برد. با این همه در دوران معاصر ژاپنی‌ها و اروپایی‌ها و همچنین سیاستمداران یا سرکردگان نظامی، چندان با نام او آشنا نیستند. بنابراین قبل از هر چیز هاندها کوشیده است گزارشی از اهمیت زندگانی شاردن ارائه کند.

از دید هاندها نخستین مطلب پراهمیت آگاهی یافتن از کل حیات ژان شاردن است که در بسیاری از کشورها مانند فرانسه، انگلستان، ایران و هندوستان زندگی کرد. امروزه ما به سادگی به هر جای جهان مسافرت می‌کنیم، اما در روزگاری که شاردن زندگی می‌کرد، شمار کسانی که مانند شاردن به نقاط مختلف دنیا مسافرت می‌کردند بسیار کم بود. به همین دلیل تاریخ زندگی شاردن فوق‌العاده جالب توجه است.

نکته دوم اینکه شاردن صرفاً یک نویسنده مشهور نبود. او بازرگانی بود که با خاورزمین و کشورهای آن نظیر ایران و هندوستان مرادۀ بازرگانی داشت. و افزون بر آن وی یک پروتستان شیفته بود و در بسیاری موارد در این اعتقاد خویش بسیار جازم عمل می‌کرد. از این منظر این کتاب درحقیقت توصیف زندگانی یک مؤمن پروتستان به مثابه یک آدم عادی نیز هست.

افزون بر موارد بالا هاندها یادآور می‌شود که بر آن است تا از طریق توصیف زندگانی شاردن زوایایی از اوضاع مذهبی اروپا و ایران مسلمان را در سیصد سال قبل مقایسه و بررسی کند. هاندها می‌گوید که آنچه در بررسی زندگانی شاردن برای او جالب توجه بوده، دریافت این مطلب است که ویژگی‌های اروپای معاصر و جهان اسلام معاصر ریشه در دنیای سیصد سال پیش داشته است. دلیل دوم از دید او این است که هاندها دریافت که احساس مشترک جهان اروپایی و اسلامی درباره اوضاع آنها در سیصد سال پیش کاملاً واقعی نیست. از دید هاندها

عناصر انسانی هر دو جهان از آن روزگار تاکنون استمرار یافته است. بخش بعدی کتاب ماساشی هاندها به شرحی درباره اوضاع فرانسه در عهد لوئی چهاردهم و انگلستان در روزگار دو انقلاب مهم اختصاص یافته است و سپس به عنوان یک نمونه برجسته اوضاع اصفهان را در همین زمان بررسی می‌کند. هنگامی که شاردن از ایران دیدن می‌کرد، سلسله صفوی بر ایران حکومت داشت که قلمروی وسیع شامل ایران کنونی، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، ترکمنستان، پاکستان و بخشی از ترکیه و عراق را دربر می‌گرفت. از آنجا که در سده هفدهم جنگهای بزرگی در این منطقه صورت نمی‌گرفت، ایران در دوره‌ای از آرامش به سر می‌برد و همین امر زمینه را برای شکوفایی تجارت فراهم می‌آورد و آرامش و امنیت در صورت استمرار سبب رونق تولیدات کشاورزی و صنعتی نیز بود. به منظور رونق تجارت، راهها امن شدند و زمینه برای تسهیل روابط تجاری آماده شده بود. ایران در روزگاری که شاردن به آنجا مسافرت کرد در شرایط رونق اقتصادی به سر می‌برد، دولت صفوی مرتباً مالیات دریافت می‌کرد و ارزش پول ثابت بود.

مهمترین تولید تجاری ایران در این روزگار، ابریشم بود. کالایی که اروپائیان سخت به خرید آن علاقه داشتند و مرغوبیت ابریشم ایران عامل مهم جذب آنان بود. به همین دلیل ابریشم باعث رونق تجارت میان ایران و اروپا شد. شرکت‌های تجاری هند شرقی و انگلستان از همه بیشتر به تجارت ابریشم علاقه نشان می‌دادند و در عرصه تجارت ایران فعال بودند. شاه‌عباس یکم که به اهمیت منافع تجاری ابریشم واقف بود، کوشید تا آن را در انحصار خاندان شاهی نگهدارد. به این ترتیب ارتباط میان ایران و اروپا در قالب گفت و گوهای شرکت‌های تجاری شرقی و خاندان سلطنتی صورت می‌گرفت. همین امر زمینه را برای ارتباط سیاسی میان ایران و اروپا تا روزگار معاصر فراهم ساخت. در این سال‌ها اصفهان پایتخت صفویان بود و به دلیل همین امر این شهر رونق فراوانی یافت.

هاندها پس از بررسی اوضاع اصفهان، به هندوستان می‌پردازد و اوضاع آن را در عهد مغولان هند بررسی می‌کند. او می‌گوید که در این دوران قسمت اعظم هندوستان تحت سلطه حکومت مغولان بود و در همین عهد بود که اروپائیان کم‌کم در هندوستان نفوذ کردند و هندوستان به دلیل صادرات پنبه بسیار اهمیت یافت و همین امر سبب گسترش نفوذ انگلستان حتی در سایر نقاط جهان نیز شد. انگلستان یک پایگاه تجاری در بندر سورات در غرب هند بنا کرد و پس از کسب اجازه از دربار مغولان هند، تجارتخانه کمپانی هند شرقی را در سال ۱۶۱۳ م. تأسیس کرد. این تجارتخانه تجارت مناطق شمال غربی هندوستان، خلیج فارس و دریای سرخ را در اختیار گرفت. در اواسط سده هفدهم فرانسه نیز دفتر تجارتی کمپانی هند شرقی خویش را تأسیس کرد. کوتاه سخن اینکه بندر سورات در این زمان به مهمترین پایگاه تجاری اروپائیان در غرب هند تبدیل شد. شاردن به هنگام مسافرت به هند، از این شهر نیز دیدن کرد.

مدتی بعد انگلستان قلعه «سنت جرج» را در ساحل «کالامندر» تأسیس کرد. این قلعه سپس به صورت شهر «مدرس» درآمد. برادر ژان شاردن که دانیل نام داشت در همین شهر زندگی می‌کرد. این نکته را نیز باید یادآور شد که شاردن از ناحیه «دکن» که تحت سلطه خاندان گلکنده بود نیز دیدار کرد. وی قصد داشت از این منطقه مقداری جواهر

«جهان اسلام در سده هفدهم میلادی قابل تحمل‌تر از جوامع اروپایی بود» بنابراین ماساشی هاندها پژوهش خویش را با توجه به گزارش‌های ژان شاردن درباره اوضاع مذهبی این دو قلمرو نوشته است



دید اروپائیان، هندوستان تنها جایی بود که می‌شد از آنجا جواهر به دست آورد. پیش از مسافرت شاردن به شرق، تاورنیه که بازرگانی فرانسوی بود جواهراتی را از هندوستان به اروپا آورده بود و به همین دلیل بسیار ثروتمند شده بود. پدر شاردن نیز سرمایه‌اش را در همین زمینه به جریان انداخته بود. او هنگامی که موفقیت تاورنیه را مشاهده کرد به این اندیشه افتاد تا شاردن را به هندوستان بفرستد. درباره آنتونی رزان اطلاعات زیادی در دست نیست. آنچه درباره او می‌دانیم این است که وی جواهرفروشی خیره اهل «لیون» و از شاردن بزرگتر بود و مذهب کاتولیک داشت. او یکبار نیز به همراه تاورنیه به شرق مسافرت کرده بود. به نظر می‌رسد مسافرت یک کاتولیک با یک پروتستان چندان دشواری نداشته است.

تاریخ دقیق شروع مسافرت اول از پاریس روشن نیست. اما شاردن در زمستان مسافرت خویش را آغاز کرد. هرچند ما مسیر مسافرت او به ایران را به طور دقیق نمی‌دانیم اما می‌دانیم که او سرانجام به ایران رسید و با شاه‌عباس دوم در مازندران ملاقات کرد. سفر شاردن در این مرحله موفقیت‌آمیز بود زیرا پادشاه صفوی همه کالاهای او را خرید و افزون بر آن به او لقب «اجرباشی» را نیز اعطاء کرد. لقبی که فقط تاورنیه قبلاً آن را کسب کرده بود. افزون بر آن شاردن یک فرمان سلطنتی کسب کرد که به موجب آن شایسته معافیت مالیاتی نیز می‌شد. شاه‌عباس دوم در این هنگام سی و سه سال داشت و با کسانی که با او ملاقات می‌کردند، صریح سخن می‌گفت. شاردن پنج بار توانست با پادشاه صفوی ملاقات کند و بعدها نوشت: «اگر من در آن هنگام می‌توانستم به خوبی حالا به فارسی سخن بگویم، آن پادشاه صریح مشکلی برای ارتباط با من نمی‌داشت». هانه‌دا می‌گوید اگر شاردن پادشاه صفوی را ملاقات نمی‌کرد، احتمالاً بار دیگر به ایران مسافرت نمی‌کرد.

بخش بعدی این فصل به مشاهدات شاردن در شهر اصفهان در این دوران اختصاص یافته است. شاردن پس از ملاقات با پادشاه صفوی همراه با رزان به گشت و گذار در اصفهان پرداخت. آنان در صومعه فرقة «کاپوسین» در اصفهان اقامت کردند که همه راهبان آن فرانسوی بودند. جهانگردان فرانسوی به راحتی می‌توانستند از طریق

خریداری کند. در این عهد فرهنگ ایرانی در هندوستان غلبه داشت. بنابراین، شاردن که زبان فارسی را به خوبی می‌دانست، به راحتی می‌توانست در این نواحی فعالیت کند.

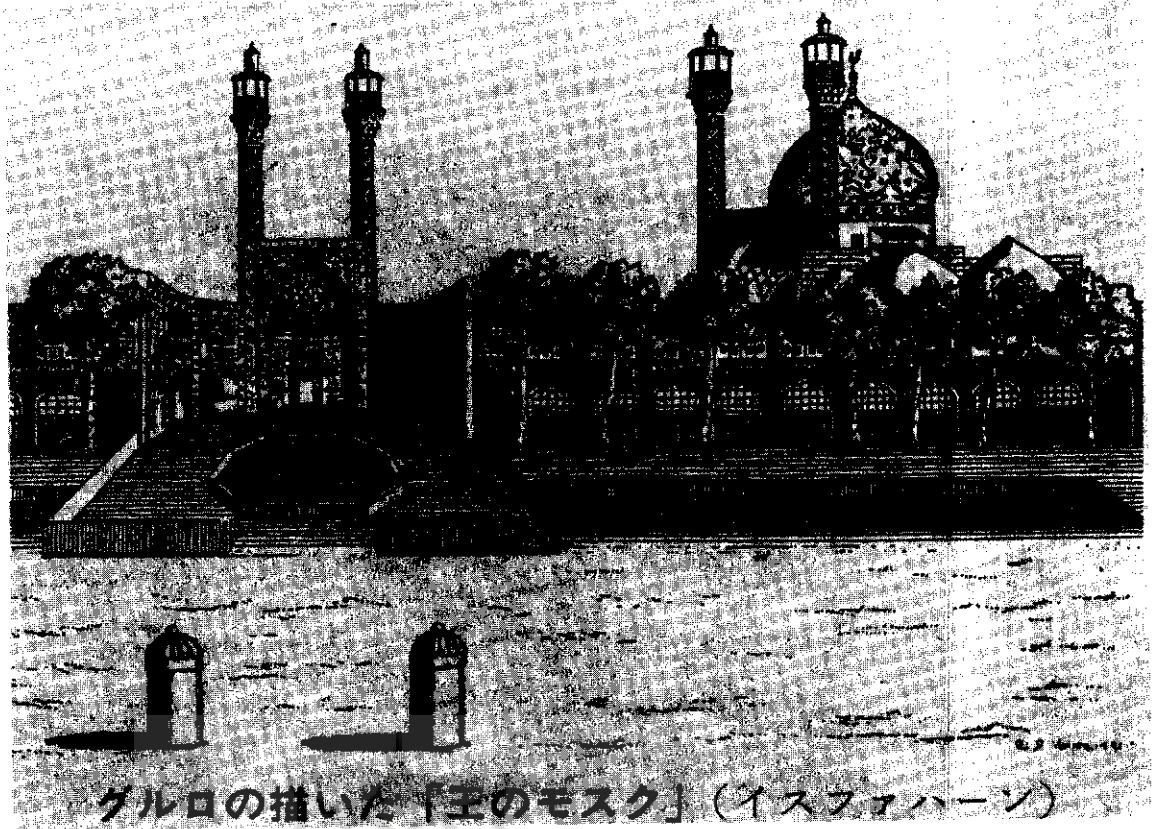
آخرین مبحث هانه‌دا در این مقدمه اشاره‌ای به تولد و اوایل زندگی شاردن است. او می‌گوید که شاردن در شانزدهم نوامبر ۱۶۴۳ میلادی به دنیا آمد. در این سال لویی چهاردهم امپراتور فرانسه شد. پدر شاردن که دانیل نام داشت، جواهرفروشی ثروتمند بود. شاردن چهار برادر و دو خواهر داشت و پس از آنکه به انگلستان مهاجرت کرد با برادرش که در هند بود، مراوده تجاری خویش را ادامه داد. او که خوب تعلیم یافته بود، توانست سفرنامه خویش را به خوبی تالیف کند.

در نیمه سده هفدهم میلادی بسیاری از سفرنامه‌ها و گزارش‌های مربوط به شرق در اروپا منتشر شده بود. اما اغلب آنها به «اورشلیم» یا «امپراتوری عثمانی» می‌پرداختند. شاردن تحت‌تأثیر این کتاب‌ها قرار گرفت و سال‌ها بعد چنین نوشت: «من اشتیاق زیادی به جهانگردی داشتم و همین اشتیاق محرک من برای مسافرت به هند شرقی شد.» او در پایان سال ۱۶۶۴ یا آغاز سال ۱۶۶۵ میلادی، هنگامی که ۲۱ سال داشت، به دستور پدرش به خاورزمین مسافرت کرد.

فصل یکم کتاب استاد هانه‌دا عنوان «سفر به شرق: بازرگان ماجراجو: شاردن» دارد. هانه‌دا در این فصل ابتدا به شرح آغاز سفر شاردن می‌پردازد. او می‌نویسد که شاردن در حیات خویش دو بار به عثمانی، ایران و هندوستان مسافرت کرد نخستین بار در پایان سال ۱۶۶۴ یا آغاز ۱۶۶۵ م. در ۲۱ سالگی، که در ماه می ۱۶۷۰ م. به پاریس بازگشت. بار دوم او در اگوست ۱۶۷۱ م. پاریس را به مقصد شرق ترک کرد و در ماه می یا ژوئن ۱۶۸۰ که ۳۶ سال داشت به این شهر برگشت. در هر دو بار مسافرت شخصی به نام آنتونی رزان همراه او بود.

اهداف شاردن از مسافرت به شرق قابل توجه هستند. او یکی از مهمترین گزارش‌ها را درباره شرق تالیف کرده است و به نظر می‌آید قصد او گردآوری اطلاعات در این باره بوده است. اما مهمترین هدف او از این مسافرت‌ها، خرید جواهر از هندوستان بود. جواهرات در اروپای این دوران نماد اقتدار بودند و ارزش فراوانی داشتند. در عصر شاردن از

**کتاب حاضر
که به زبان ژاپنی
در توکیو
منتشر شده است،
مخصوصاً از این جهت
اهمیت دارد که
در آن برای نخستین بار
از مدارکی که تاکنون
پژوهشگران ایران
عصر صفوی از آنها
آگاهی نداشته‌اند،
استفاده شده است.
این مدارک نامه‌های
ژان شاردن به برادرش
دانیل شاردن هستند که
پس از مهاجرت شاردن
به انگلستان،
از لندن به مدرس
در هندوستان
فرستاده شده‌اند**



グルロの描いた「王のモスク」(イスファハーン)

رساله توصیف شهر اصفهان بود. شاردن قصد داشت خود کتابی درباره ایران تألیف کند.

شاردن پس از آن به همراه رزان به هندوستان رفت. شرح مسافرت او در هند روشن نیست. او مدت یک سال در هند ماند اما هیچ مطلبی در این باره تألیف نکرد. فقط می‌دانیم که او در هندوستان با فرانسوا برونیه مؤلف گزارشی درباره دربار مغولان هند ملاقات کرد و احتمالاً همراه با رزان برای خرید جواهر به «گلکنده» در «دکن» رفت. پس از آن، او که تاجری ماهر و سرشناس شده بود، از طریق تبریز و دریای مدیترانه به پاریس بازگشت.

شاردن پس از بازگشت از ایران، کتاب خویش به نام تاجگذاری سلیمان یا تاجگذاری سلیمان، پادشاه ایران و شرح وقایع دو سال پس از تاجگذاری او را تألیف کرد که درحقیقت ترجمه‌ای بود از رساله‌ای که مورخ ایرانی به نام میرزاشفیع در این باره نوشته بود. این کتاب شرحی دقیق از تاریخ سیاسی ایران در این دوره بود که توسط فرانسوا کارپنتیه به لویی چهاردهم، امپراتور فرانسه تقدیم و سخت مورد توجه واقع شد و او را مصمم ساخت تا کتاب بعدی خویش را در این باره تألیف کند. پس از آن شاردن یک قرارداد جدید با رزان درباره تجارت در شرق امضا کرد.

بخش بعدی اثر استاد هاندها، شرح دومین مسافرت شاردن به ایران است. او در هفدهم اگست سال ۱۶۷۱ میلادی پاریس را ترک کرد و در نیمه اول سال ۱۶۷۳ وارد ایران شد و تا سال ۱۶۷۷ در ایران ماند و پس از آن از طریق «بندر سورات» به هند رفت. در آنجا در آغاز سال ۱۶۷۹ از «گلکنده» دیدار کرد و سپس به منظور بازگشت به پاریس به بندر سورات برگشت. جالب این است که همانند سفر اول، شاردن هیچ اطلاعی درباره مسافرت خویش به هند ارائه نکرده است.

پس از آن، هاندها به شرح مسافرت شاردن به استانبول و دشواری‌های موجود در آنجا برای فرانسویان می‌پردازد. او می‌نویسد که در این دوران به دلیل ناکامی‌های سفیر فرانسه در عثمانی، روابط میان این کشور و فرانسه بیشتر و بیشتر تیره می‌شد و شاردن در همین زمینه از نحوه عمل سفیر فرانسه انتقاد می‌کرد که سبب شده است تا فرانسویان از منزلت پایین برخوردار باشند. شاردن یک فرانسوی بود.

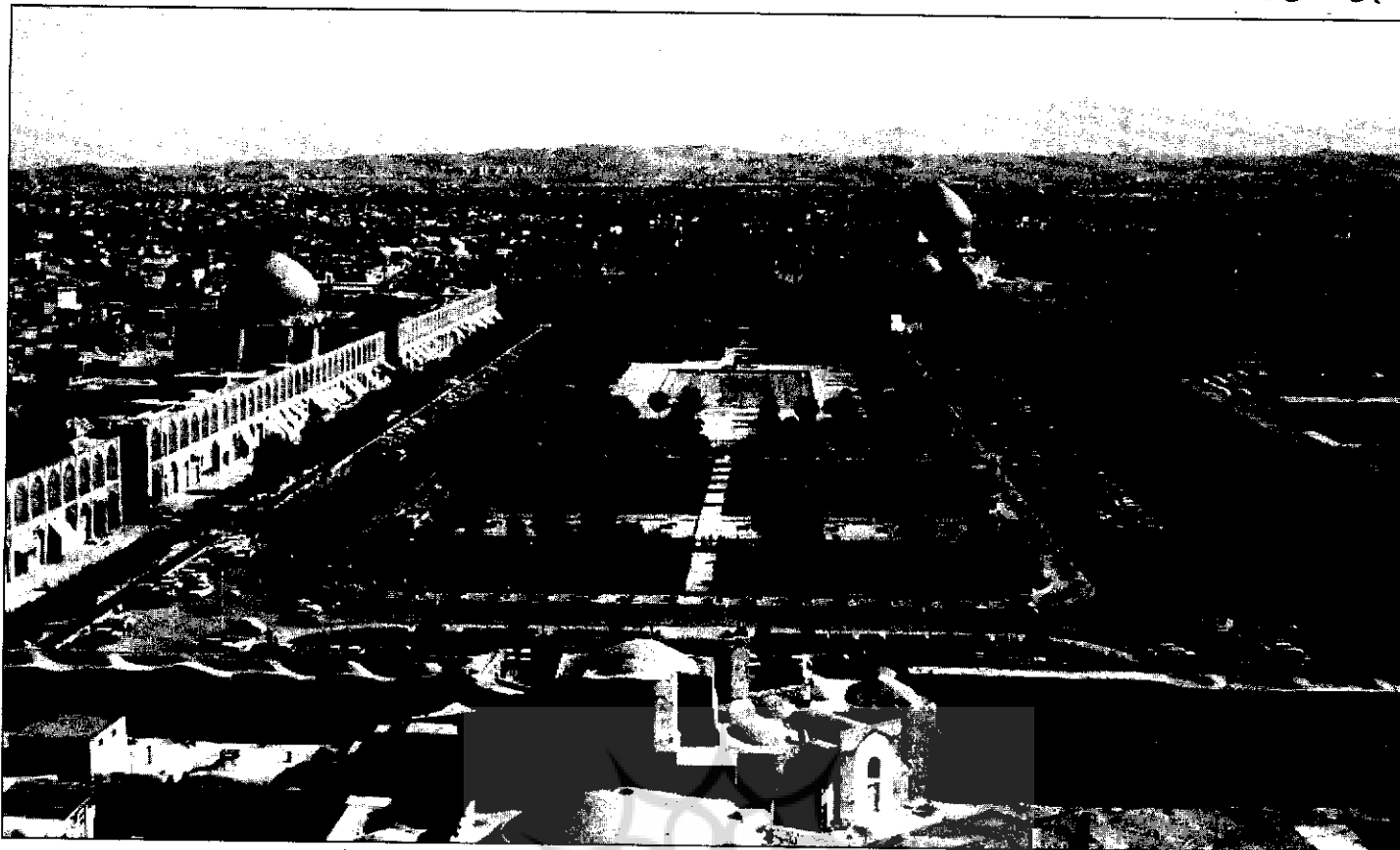
آنان اطلاعاتی درباره دربار ایران و موارد دیگر به دست آوردند. از سوی دیگر راهبان صومعه می‌توانستند از طریق این مسافران آخرین اطلاعات را درباره اوضاع اروپا کسب کنند و حتی از آنان بخواهند تا نامه‌هایشان را به اروپا برسانند. این مطلب درخور توجه است که ظاهراً شاردن که پروتستان بود، دشواری برای اقامت در صومعه کاتولیک‌ها نداشت، گرچه او در سفرنامه‌اش از کلیسای کاتولیک رومی به سختی انتقاد می‌کند و بر این نکته تأکید می‌کند که فرقه‌های کاتولیک نظیر «ژزویتها» توفیقی در گرواندن مسلمانان ایرانی به مسیحیت نداشته‌اند و در وضع بدی به سر می‌برده‌اند. شاردن می‌نویسد که گرچه او و رزان آگاه بودند که به فرقه‌های مختلفی تعلق دارند، اما این امر مانع ارتباط آنان نمی‌شد. از دید شاردن فرقه‌های گوناگون مسیحی در شرق علی‌رغم اختلافی که دارند می‌دانند که چگونه به خوبی با یکدیگر کنار بیایند.

از آنجا که سفر تجارتهای شاردن و رزان موفقیت‌آمیز بود، آنان درصدد برآمدند بار دیگر به ایران مسافرت کنند. همچنین آنان می‌توانستند برای خرید جواهر به هندوستان بروند. اما شاردن نزدیک به یک سال در اصفهان اقامت گزید. اقامتی که دلیل آن برای ما معلوم نیست. اما روشن است که او دلبستگی شدیدی به ایران پیدا کرده بود و هرچیزی در این سرزمین او را به خود جلب می‌کرد. او نه تنها به تجارت با ایران و مسائل اقتصادی آن علاقه داشت، بلکه سیاست، طبیعت، جغرافیا، مذهب و معماری اصفهان را نیز دوست می‌داشت. برای او ایران دنیای دیگری بود و او تشنه به دست آوردن اطلاعاتی درباره آن بود.

شاردن طی دو سال (۱۶۶۶ و ۱۶۶۷) فارسی را به خوبی آموخت و می‌توانست به راحتی سخن بگوید. او توانست با برخی از ایرانیان مانند «ناظر دربار» دوست شود و همچنین دوستانی در میان «اهل قلم» نظیر میرزاشفیع پیدا کند. میرزاشفیع همان کسی بود که شرح تاجگذاری شاه سلیمان را نوشت. همچنین در همین دوران او با هربوت دویاگو که عضو «شرکت هند شرقی هلند» و در عین حال علاقمند به تحقیق درباره ایران بود، آشنا شد. این دو اصفهان را با دقت مورد بازدید قرار دادند. آنان اطلاعات موجود درباره ایران را که به زبان‌های اروپایی نشر یافته بود، کافی نمی‌دانستند. نتیجه گشت و گذار آنان در اصفهان

پروفیسور هاندها:
«اروپائیان مایل بودند اطلاعات موثقی درباره خاورزمین به دست آورند اما منابع موثقی درباره ایران در اختیار نداشتند بنابراین سفرنامه شاردن این نقیصه را برطرف می‌کرد و فرهیختگان اروپایی این اثر را به خوبی می‌شناختند تا جایی که متسکیو در کتاب خویش از آن بهره برد»

هاندها یادآور می‌شود که بر آن است تا از طریق توصیف زندگانی شاردن زوایایی از اوضاع مذهبی اروپا و ایران مسلمان را در سیصد سال قبل مقایسه و بررسی کند



است. در مقایسه با اروپا، ارتباط میان مردم و سرزمینشان یا سلسله‌های سلطنتی در جهان اسلام در این دوران بسیار ضعیف بود. (!) کسانی که در این قلمرو زندگی می‌کردند، الزاماً خویشین را عضوی از اعضای ساکن این سرزمین یا سلسله پادشاهی آن به‌شمار نمی‌آوردند و رابطه آنان با وطنشان همانند اروپائیان عمیق نبود. شاردن پس از بازگشت به اصفهان، یک سال در این شهر ماند. شاردن به هنگام اقامت در سورات، رابطه تجاری خویش با رزان را قطع کرد و شخص اخیر در هندوستان ماند و شاردن پس از آن به پاریس بازگشت.

فصل دوم کتاب به بررسی توصیف شاردن از ایران پرداخته است. شاردن پس از بازگشت به اروپا، از فرانسه به انگلستان مهاجرت کرد و در این کشور آثاری دربارهٔ مسافرت‌های خویش به ایران منتشر نمود. این مجموعه در ۱۰ جلد و ۹ بخش نشر یافت. شاردن در اثر خویش دربارهٔ همه ابعاد مربوط به ایران اطلاعاتی ارائه کرده است. اما این نکته درخور توجه است که او به موضوع مذهب در ایران توجهی ویژه داشته است. شاید این امر ناشی از آن بود که خود شاردن شدیداً به امور مذهبی علاقمند و احتمالاً به این دلیل بود که او پروتستانی مؤمن بود. او در بخش پنجم سفرنامه خویش دربارهٔ دین ایرانیان سخن می‌گوید. مخصوصاً او دربارهٔ تشیع که مذهب اکثریت ایرانیان بود اطلاعاتی مبسوط ارائه می‌کند. این نکته اهمیت دارد زیرا به دلیل توجه اروپائیان به سفرنامه او، این اطلاعات دربارهٔ تشیع در اروپای آن روزگار اهمیتی ویژه می‌یافت. شاردن مایل بود اروپائیان اطلاعات کافی دربارهٔ مذهبی که با مذهب خودشان تفاوت داشت، کسب کنند. افزون بر آن او اطلاعاتی دربارهٔ خرده مذاهب موجود در ایران آن روزگار ارائه می‌کند. شاردن می‌گوید که «یکی از معیارهای دین اسلام این است که با همه مذاهب سر ملارا دارد. البته این امر تا زمانی است که آنان جزیه خویش را پرداخت کنند. بنابراین مسیحیان، یهودیان و حتی کفار در پناه حاکمیت اسلامی قرار می‌گیرند و می‌توانند به کارهای مورد علاقه خویش بپردازند و مراسم عبادی خویش را به جا آورند. هرچند مسلمان با غیرمسلمان یکسان انگاشته نمی‌شود و آنان مجبورند جزیه پرداخت کنند. با این همه وضع زندگانی این اقلیت‌ها در ایران بهتر از وضع هم‌کیشان آنان در اروپای این روزگار است زیرا می‌توانند در جامعه

مهم نبود که کسی کاتولیک یا پروتستان است. از دید او قبل از هر چیز، او یک فرانسوی بود و سفیر فرانسه حامی فرانسویان مقیم عثمانی به‌حساب می‌آمد. فرانسویان مقیم عثمانی نیز سفیر را نماینده خویش می‌دانستند. اما این امر همیشه رایج نبود و مقایسه میان وضع موجود در عثمانی با آنچه در آسیای جنوب غربی رواج داشت، جالب توجه است.

در آن روزگار، شمار زیادی بازرگان که اکثر آنان ارمنی بودند از ایران به استانبول می‌آمدند. آنان ایرانی نبودند بلکه عضو کلیسای ارتدکس ارمنی بودند و سفیر ایران، نمایندهٔ آنان به‌شمار نمی‌رفت. در این روزگار جهان اسلام نمایندهٔ مقیم در کشورهای بیگانه نداشت و در صورت نیاز به چنین موردی، نمایندگان دربارها، از سوی فرمانروا اعزام می‌شدند. در این دوران، نمایندهٔ دولت صفوی، عضوی از خاندان صفویه یا کسانی بودند که از پادشاه امتیاز دریافت می‌کردند. بنابراین تمایزی جدی از دید احساس هویت میان جهان اسلامی و اروپایی وجود داشت. شاردن در استانبول با گرانده که مدتی بعد کتاب هزار و یک شب را به فرانسه ترجمه کرد، آشنا شد. وی یک نقاش به نام گروولو را به شاردن معرفی کرد. چندی بعد شاردن بدون کسب اجازه از مقامات عثمانی، استانبول را به مقصد «مینگرلی» ترک کرد. گرچه «مینگرلی» در این زمان سرزمینی خطرناک بود اما برای شاردن امن‌تر از استانبول به‌شمار می‌رفت. زیرا در استانبول هر لحظه این خطر وجود داشت که اموال او مصادره شود یا خود او دستگیر گردد. او پس از تجربه خطر مسافرت از طریق مینگرلی، بر آن شد تا به ایران برود. از «فلیس» به بعد، او می‌توانست به عنوان «تاج‌پاشی پادشاه» به اصفهان برود. پس از ورود به اصفهان او با نجف قلی بیگ که «ناظر سلطنتی» بود ملاقات و گفت و گو کرد و پس از گفت و گویی سخت، مقداری از کالاهایش را به قیمت ۱۵۰۰ تومان به دربار فروخت. او پس از مذاکره‌ای دیگر سرانجام همه کالاهایش را به فروش رساند.

شاردن پس از فروش کالاهایش در اصفهان بر آن شد تا از طریق بندرعباس به هندوستان برود. اما بروز جنگ میان فرانسه و هلند در اروپا، مانع مسافرت او به هندوستان شد. این امر نشان از آن دارد که میان اروپائیان و کشورهای آنان پیوندی سخت عمیق وجود داشته

شاردن طی دو سال (۱۶۶۶ و ۱۶۶۷) فارسی را به خوبی آموخت و می‌توانست به راحتی سخن بگوید

شاردن پس از بازگشت از ایران، کتاب خویش به نام «تاجگذاری سلیمان» یا «تاجگذاری سلیمان، پادشاه ایران و شرح وقایع دو سال پس از تاجگذاری» او را تألیف کرد که در حقیقت ترجمه‌ای بود از رساله‌ای که مورخی ایرانی به نام میرزا شفیق در این باره نوشته بود



بخشی از کتاب هانه‌دا به شرحی دربارهٔ اوضاع فرانسه در عهد لوئی چهاردهم و انگلستان در روزگار دو انقلاب مهم اختصاص یافته است و سپس به عنوان یک نمونهٔ برجسته، اوضاع اصفهان را در همین زمان بررسی می‌کند

شاردن در پایان سال ۱۶۶۴ یا آغاز سال ۱۶۶۵ میلادی، هنگامی که ۲۱ سال داشت، به دستور پدرش به خاورزمین مسافرت کرد

اهداف شاردن از مسافرت به شرق قابل توجه هستند. او یکی از مهمترین گزارش‌ها را دربارهٔ شرق تالیف کرده است و به نظر می‌آید قصد او گردآوری اطلاعات در این باره بوده است. اما مهمترین هدف او از این مسافرت‌ها، خرید جواهر از هندوستان بود

هانه‌دا می‌گوید
اگر شاردن پادشاه صفوی (شاه‌عباس دوم) را ملاقات نمی‌کرد، احتمالاً بار دیگر به ایران مسافرت نمی‌کرد

پروفسور هانه‌دا:
شاردن نه تنها به تجارت با ایران و مسائل اقتصادی آن علاقه داشت، بلکه سیاست، طبیعت، جغرافیا، مذهب و معماری اصفهان را نیز دوست می‌داشت.
برای او ایران دنیای دیگری بود و او تشنهٔ به دست آوردن اطلاعاتی دربارهٔ آن بود

رویه آزار پروتستان‌ها را در پیش گرفت و آنان حتی در صورتی که دوباره کاتولیک می‌شدند، تحت پیگرد قرار داشتند. در اکتبر ۱۶۸۵ لوئی رسماً «فرمان نانت» را ملغی اعلام کرد. شعار لوئی چهاردهم این بود که فقط: «یک ایمان، یک حق و یک پادشاه» در قلمرو او وجود دارد. مسلم است که نه تنها امپراتور بلکه جامعه فرانسه درصدد یکسان کردن همه چیز بود. در نتیجهٔ این پیگرد مذهبی بسیاری از فرانسویان پروتستان از جمله شاردن به دیگر کشورها مهاجرت کردند.

شاردن اندکی بعد از رسیدن به فرانسه درصدد برآمد به انگلستان مهاجرت کند و سرانجام در ماه آوریل ۱۶۸۱ م. برای اقامت در این کشور به لندن مسافرت کرد. گرچه او شدیداً «فرانسوی» بود، اما ناچار بود فرانسه را ترک کند. همین امر نشان از آن دارد که اوضاع پروتستان‌ها در فرانسه بسیار وخیم بوده است.

استاد هانه‌دا سالشماری زندگی و اقدامات شاردن در انگلستان را چنین ارائه کرده است:

○ دعوت از شاردن برای پیوستن به انجمن همایونی انگلستان؛ انجمن همایونی که نهادی علمی بود یا در نظر گرفتن اینکه شاردن تجربه‌های سودمندی در مسافرت و تجارت با شرق به دست آورده است، درصدد برآمد از او برای پیوستن به این انجمن دعوت به عمل آورد. از همین رو نماینده آن که شخصی به نام اولین (Evelyn) بود با شاردن ملاقات کرد و از او برای پیوستن به انجمن همایونی دعوت کرد.

○ دریافت لقب «سر» از انگلستان.

○ پیوستن به کمپانی هند شرقی بریتانیا: شاردن یک سال پس از مهاجرت به انگلستان، مقدار قابل توجهی پول در کمپانی هند شرقی انگلستان سرمایه‌گذاری کرد و در امور مدیریتی آن مشارکت کرد. فعالیت او در این دوران برای کمپانی فوق‌العاده پراهمیت بود.

○ تلاشی برای رسیدن به مقام مدیر کمپانی هند شرقی: شاردن که مقدار قابل توجهی پول در کمپانی هند شرقی سرمایه‌گذاری کرده بود، مایل بود در سال ۱۶۸۴ م. به سمت مدیر آن برگزیده شود. حتی او برای رسیدن به این مقام توصیه‌نامه‌ای از پادشاه انگلستان دریافت کرده بود. اما او به این مقام انتخاب نشد. ما نمی‌دانیم چرا وی به

اسلامی زندگی کنند و بر طبق سنن و آداب مذهبی خویش عمل کنند.» شاردن در این باره به بررسی و توصیف اقلیت‌هایی چون زرتشتیان، یهودیان، صابئین، مسیحیان (ارمنیان، گرجیان، نسطوریان، یعقوبیان، کاتولیک‌ها، پروتستان‌ها) و هندوها پرداخته است. از دید شاردن آنچه اهمیت داشت این بود که همه این اقلیت‌های مذهبی قادر بودند در ایران عصر صفوی زندگی کنند و حتی نقشی برجسته در جامعه ایرانی داشته باشند. او سپس اوضاع این اقلیتها را در اصفهان گزارش می‌کند و می‌گوید که به هر روی آنان شهروند درجه دوم در اصفهان به‌شمار می‌رفتند. اما صرفنظر از این مطلب، کاملاً مورد حمایت دولت صفوی قرار داشتند و در اجرای مراسم مذهبی خویش آزاد بودند. سپس شاردن شرحی دربارهٔ اقلیت‌های نژادی و زبان‌های رایج در این روزگار ارائه کرده است.

استاد هانه‌دا در فصل سوم کتاب خویش به مهمترین بخش از زندگانی شاردن یعنی اقامت و کار در انگلستان پرداخته است. خوانندگان ایرانی معمولاً شاردن را می‌شناسند و با سفرنامه مهم او که در حقیقت شبیه به یک مجموعه داتره‌المعارفی دربارهٔ جامعه ایرانی و به‌ویژه دربارهٔ ایران روزگار صفویان است، آشنا هستند. اما معمولاً دربارهٔ آخرین سال‌های زندگی شاردن به‌ویژه اقدامات و فعالیت‌های او در انگلستان اطلاعات کافی و بسنده در اختیار نیست. این نکته از آن رو اهمیت دارد که شاردن در انگلستان به اهداف کمپانی هند شرقی بریتانیا در شناخت آنان نسبت به ایران کمک زیادی کرد. هانه‌دا می‌گوید که روشن نیست شاردن دقیقاً چه زمانی از شرق به فرانسه بازگشت اما تأکید می‌کند که احتمالاً این امر در آخر ماه می یا آغاز ماه ژوئن سال ۱۶۸۰ پس از دومین مسافرت طولانی او به ایران بوده است. اما او کمی پس از رسیدن به فرانسه با دشواری روبرو شد. این دشواری ناشی از پیگرد و آزار مذهبی بود که از سوی اکثریت کاتولیک فرانسه نسبت به پروتستان‌ها اعمال می‌شد. آزار و تعقیب دین پروتستان‌ها در فرانسه از سوی روحانیون کاتولیک حتی پس از اعلام «فرمان نانت» در ۱۵۹۸ میلادی همچنان ادامه یافته بود. با این حال پروتستان‌ها هنوز می‌توانستند آزادانه فعالیت کنند. اما پس از سال ۱۶۶۱ م. و در آغاز سلطنت لوئی چهاردهم وضع پروتستان‌ها وخیم شد. لوئی چهاردهم

این نکته درخور توجه است که شاردن به موضوع مذهب در ایران توجهی ویژه داشته است شاید این امر ناشی از آن بود که خود او شدیداً به امور مذهبی علاقمند و احتمالاً به این دلیل بود که او پروتستانی مومن بود



پروفیسور ماسانی هاندا (متولد ۱۹۵۳ م). در سال ۱۹۷۶ م درجه کارشناسی تاریخ را از دپارتمان تاریخ در دانشکده ادبیات دانشگاه کیوتو اخذ کرد و در سال ۱۹۷۸ م رساله کارشناسی ارشد خویش را درباره تاریخ آسیای جنوب غربی در همین دانشگاه تالیف کرد و درجه دکترای خویش را درباره تاریخ نظامی ایران عصر صفوی از دانشگاه پاریس اخذ نمود. وی مدتی را در دانشگاه کیوتو به تدریس و پژوهش اشتغال داشته و اینک پروفیسور مطالعات ایرانی در موسسه مطالعات فرهنگ های خاوری در دانشگاه توکیو است.

مشهورترین آثار پروفیسور ماسانی هاندا جز آنچه درباره تاریخ تحولات نظامی عصر صفوی تالیف کرده اند، از این قرارند:

تاریخ جهان اسلامی | تاریخ شهرهای اسلامی از آن شاردن و اصفهان | تاریخ اسلام از منظر مساجد | آشکوه جامعه اسلامی و کتاب حاضر

سوی دیگر در همین زمان شارل، پسر بزرگ شاردن نیز از هندوستان به انگلستان بازگشت و کماکان به رفتار قبلی خویش ادامه داد. شاردن از او قطع امید کرد و توجه خویش را به تربیت سایر فرزندان و امور تجاری خویش معطوف داشت. دیگر فرزندان شاردن فرزندان صالح شدند و شاردن از این امر خشنود بود. نکته آخر اینکه سرانجام روابط میان ژان و دانیل شاردن نیز تیره شد و فعالیت تجاری میان این دو نیز سرنوشتی فاجعه بار یافت.

پروفیسور هاندا در پایان کتاب خویش به آخرین روزهای حیات ژان شاردن می پردازد. شاردن در بیستم دسامبر ۱۷۱۱ میلادی وصیت نامه ای تنظیم کرد که به موجب آن مبلغ ۵۰۰ پوند از دارایی او صرف هزینه های فرانسویان پروتستانی می شد که به دلیل تعقیب مذهبی از فرانسه به انگلستان پناهنده شده بودند. همچنین او ۱۰۰۰ پوند نیز برای فعالیت های تبلیغی به کلیسای انگلستان اختصاص داد که به طور ضمنی حکایت از آن داشت که شاردن یک «انگلیسی» خواهد بود. شاردن تا پایان زندگی خویش یک مؤمن پروتستان باقی ماند.

نتیجه گیری پایانی کتاب زندگی ژان شاردن در حقیقت نوعی بررسی مقایسه ای میان جهان اسلامی - ایرانی با اروپای غربی در سده هفدهم میلادی است. از این مقایسه چنین برمی آید که تمایزی جدی میان این دو جهان وجود داشته است. امروزه چنین وانمود می شود که اروپا نسبت به مذاهب گوناگون تساهل داشته است و به شیوه ای دموکراتیک عمل می کرده است اما جهان اسلام در امور مذهبی تعصب به خرج می داده و نسبت به دیگر مذاهب ناشکیبایی نشان می داده و این مذاهب در آن آزادی عمل نداشته اند. هاندا تأکید می کند که این تصور مطابق با واقعیت نیست. او می گوید که چنین تصویری ساخته و پرداخته رسانه های جمعی اروپایی و آمریکایی است و با واقعیت تاریخی سازگار نیست. زیرا در جامعه اروپایی تبعیض مذهبی و نژادی وجود داشته و دارد. هاندا از بررسی سفرنامه و آثار شاردن چنین نتیجه می گیرد که شرایط جامعه اسلامی در این دوران متفاوت با تصویری است که از آن ارائه شده است. شاردن که مسیحی پروتستان بود به دلیل آزار مذهبی قادر نبود در فرانسه زندگی کند و مجبور شد به انگلستان مهاجرت کند. از سوی دیگر در جامعه ای اسلامی مانند ایران که او در سده هفدهم میلادی و در عصر حاکمیت صفویان از آن دیدن کرد اقلیت های مذهبی مانند مسیحیان، زرتشتیان و یهودیان و دیگران تحت شرایطی امنیتی داشتند و در مراسم عبادی خویش آزادی عمل داشتند. همین وضع در قلمرو عثمانیان نیز وجود داشت. ایران عصر صفوی و عثمانی کشورهایی بودند که شاردن سخت تحت تأثیر آنها قرار داشت و در سفرنامه خویش بر وجود مدارا و تساهل مذهبی در جهان اسلامی این دوران تأکید کرد. بر این نکته نیز باید تأکید کرد که آزادی عمل اقلیت ها در جهان اسلامی مشروط بود. مذهب و شریعت غالب، البته اسلام بود و بنابراین آزادی عمل اقلیت ها محدود بود. آزادی از دیدگاه مسلمانان همان چیزی نیست که اروپائیان آن را تعریف می کنند و شریعت اسلامی تمایزی میان مسلمانان و غیرمسلمانان قائل می شود. هاندا سرانجام می گوید که انگیزه او از تالیف این کتاب این بوده است تا از طریق بررسی زندگی شاردن و سفرنامه او، جهان اسلام و اروپای این دوران را با هم مقایسه کند. او معتقد است که این بررسی به فهم بهتر تحولات جهانی در حال حاضر کمک می کند.

مدیریت کمپانی برگزیده نشد. او پس از تلاشی بی فرجام در این باره دریافت که برای فعالیت او در کمپانی هند شرقی محدودیتهایی وجود دارد و در نتیجه از میزان ارتباط خود با آن کم کرد و کوشید تا خود شخصاً به فعالیت تجاری بپردازد. از این رو یک شرکت برای تجارت با خاورزمین تأسیس کرد ولی ارتباط خویش را با کمپانی هند شرقی قطع نکرد زیرا مجبور بود در امور تجاری خویش از کشتی های آن استفاده کند و در عین حال او در طول حیات، سهامدار کمپانی هند شرقی نیز بود.

○ همکاری با تجار ارمنی بهره مند بود و به آنان اعتماد زیادی داشت. حمایت شاردن از پروتستان های فرانسوی در انگلستان: مهاجرین پروتستان فرانسوی مورد حمایت شاردن قرار می گرفتند. آنان که پایگاه ریشه داری در انگلستان نداشتند، با کمک به یکدیگر، از هم حمایت می کردند و شاردن نیز طبعاً حامی آنان بود. استاد هاندا در فصل چهارم کتاب به بررسی روابط شاردن با برادرش دانیل می پردازد. شاردن در این زمان در انگلستان اقامت داشت و برادر او در مدرس در هندوستان مقیم بود. درباره این بخش از زندگانی شاردن تاکنون هیچ پژوهشی صورت نگرفته است. اما استاد هاندا موفق شده است مجموعه نامه های شاردن را که در دانشگاه «ییل» (Yale) در آمریکا نگهداری می شود برای نخستین بار مورد استفاده قرار دهد و در این فصل بر مبنای نامه های متبادله میان ژان شاردن و دانیل این موضوع را بررسی نماید. در این فصل این مسائل مورد بررسی قرار گرفته اند:

○ تأسیس یک کمپانی تجاری با مشارکت ژان و دانیل شاردن: شاردن پس از کاهش فعالیت خویش در کمپانی هند شرقی انگلستان، خود یک شرکت تجاری با همکاری برادرش تأسیس کرد. ○ نامه های متبادله میان ژان و دانیل شاردن و همسر او: در نامه های شاردن بیشتر به امور تجاری میان او و برادرش پرداخته شده و در نامه های او به همسر برادرش مسائل خانوادگی مطرح شده است. ○ تجارتخانه شاردن: دانیل شاردن در مدرس مقیم بود و به فعالیت تجاری می پرداخت. او بیشتر به خرید و فروش جواهرات علاقمند بود. گرچه شرکت تجاری شاردن ها یک شرکت خصوصی بود، اما آنان برای حمل و نقل کالاها از کشتی های شرکت هند شرقی انگلستان استفاده می کردند.

○ مرگ همسر شاردن: شاردن زندگی خانوادگی خویش را با شادمانی آغاز کرد و صاحب سه فرزند پسر و چهار دختر شد. اما پس از مرگ همسرش او علائق تجاری خویش را تا اندازه ای زیاد از دست داد. او پس از این رویداد بیشتر مایل بود در آرامش زندگی کند. به همین دلیل بیشتر فعالیت او منحصر به انتشار سفرنامه اش به ایران و چاپ کتاب مقدس شد. در عین حال او برادرش را تشویق کرد تا به انگلستان مسافرت کند. دانیل ابتدا پذیرفت اما به دلیل بروز جنگ در اروپا از این مسافرت منصرف شد. از سوی دیگر بزرگترین پسر شاردن جوانی نالارام بود. شاردن از برادرش خواست تا او را مرد زندگی بار آورد. به همین دلیل پسرش را به هندوستان فرستاد. اما علی رغم انتظار و آرزوی او، پسرش جوان نابابی از کار درآمد و برای او گرفتاری های زیادی ایجاد کرد. دانیل شاردن نیز مایل نبود به انگلستان مسافرت کند و همسر او نیز ترجیح می داد در هندوستان بماند و به زندگی اشرافی خویش ادامه دهد. دانیل در مدرس شخصیت شناخته شده ای شده بود و مدتی نیز شهردار این شهر بود. به همین دلیل آرزوی شاردن تحقق نیافت. از